

ORIGINAL ARTICLE

Investigating the Impact of the Corporate Governance System on the Iran's Banking Industry Soundness in the Framework of the CAMELS model

Javad Nobakht¹, Gholamali Haji², Abbas Memaranjad³, Ahmad Sarlak⁴

1. PhD student, Department of Economics, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran,
2. Associate Professor, Department of Economics, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University.
4. Assistant Professor, Department of Economics, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Corresponding Author:
Gholamali Haji
Email: Gh.haji@iau.ac.ir

Received: 3 July 2024
Accepted: 11 December 2024

How to cite

Nobakht, J., Haji, G., Memaranjad, A., Sarlak, A. (2024). Investigating the Impact of the Corporate governance system on the Iran's banking industry Soundness in the framework of the CAMELS model, Industrial Economics Researches, 8(27), 83-98. (DOI: [10.30473/jier.2024.71334.1453](https://doi.org/10.30473/jier.2024.71334.1453))

ABSTRACT

In this study, the effect of the components of the corporate governance system on the financial soundness of 12 banks in Iran during the period 2006-2023 was investigated using unbalanced panel data and fixed effects. In the present study, the CAMELS composite index has been used as a representative of the banking soundness index. The survey results have shown that among the corporate governance system's components, only the independent directors variable has a positive effect on the financial soundness. In contrast, the size of the board of directors, the number of meetings of the board of directors, the number of meetings of the audit committee, the duality of the CEO, and the number of meetings of the risk monitoring committee have a negative impact on the financial soundness of banks. In general, it can be expressed that the corporate governance system does not have a desirable effect on the financial soundness of the studied banks in Iran, which can be caused by the lack of real establishment of the corporate governance system in the country's banking system, especially in private and privatized banks, the absence of a correct strategy, corporate governance, lack of monitoring mechanisms, lack of proper transparency and effective accountability regarding information disclosure, poor management of assets and liabilities, etc.

KEYWORDS

Financial Soundness, Corporate Governance, Asset-Liability, CAMELS, Panel Data.

JEL Classification: L1, L25, L31



«مقاله پژوهشی»

بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر سلامت صنعت بانکی ایران در چارچوب مدل کملز^۱

جواد نوبخت^۱، غلامعلی حاجی^۲، عباس معمارنژاد^۳، احمد سرلک^۴؛ 

چکیده

در این مطالعه تأثیر اجزای نظام راهبری شرکتی بر سلامت مالی ۱۲ بانک در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۴۰۲ با استفاده از روش داده‌های تابلویی نامتوازن و اثرات ثابت مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعه حاضر از شاخص ترکیبی کملز به عنوان نماینده شاخص سلامت بانکی استفاده شده است. نتایج بررسی نشان داده است که از میان مولفه‌های نظام راهبری شرکتی تنها متغیر مدیران مستقل تأثیر مثبت بر سلامت بانکی دارد. در مقابل اندازه هیات مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره، تعداد جلسات کمیته حسابرسی، دوگانگی مدیرعامل، تعداد جلسات کمیته پایش ریسک تأثیر منفی بر سلامت مالی بانک‌ها داشته است. به طور کلی، می‌توان بیان کرد که نظام راهبری شرکتی، تأثیر مطلوبی بر سلامت مالی بانک‌های مورد مطالعه در ایران ندارد که می‌تواند ناشی از عدم استقرار واقعی نظام راهبری شرکتی در سیستم بانکی کشور به خصوص بانک‌های خصوصی و خصوصی شده، عدم وجود راهبرد و استراتژی صحیح حاکمیت شرکتی، نبود مکانیزم‌های نظارتی، عدم شفافیت صحیح و مسئولیت پذیری موثر در خصوص افشای اطلاعات، مدیریت ضعیف دارایی‌ها و بدهی‌ها و ... دانست.

واژه‌های کلیدی

سلامت مالی، راهبری شرکتی، دارایی- بدهی، کملز، داده‌های تابلویی.

طبقه‌بندی JEL: L31, L25, L1

۱. دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۲. استادیار، گروه اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۳. استادیار، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. استادیار، گروه اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

نویسنده مسئول:

غلامعلی حاجی

رایانامه: Gh.haji@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

استناد به این مقاله:

نوبخت، جواد؛ حاجی، غلامعلی؛ معمارنژاد، عباس و سرلک، احمد (۱۴۰۳). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر سلامت صنعت بانکی ایران در چارچوب مدل کملز. پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۸(۲۷)، ۸۳-۹۸.
(DOI:10.30473/jier.2024.71334.1453)

۱. این مقاله از رساله دکتری آقای جواد نوبخت با راهنمایی دکتر غلامعلی حاجی و مشاوره آقایان دکتر عباس معمارنژاد و دکتر احمد سرلک استخراج شده است.



۱. مقدمه

سلامت بخش بانکداری، با توجه به نقش و جایگاه این بخش در بحث تأمین مالی رشد اقتصادی کشورهای با نظام مالی بانک‌محور و همچنین ارتباط تنگاتنگ با آحاد جامعه، از اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر صنایع برخوردار است. بانکداری سالم تضمینی برای حفظ امنیت وجوه سپرده‌گذاران، سهامداران، سرمایه‌گذاران، کارکنان و کل اقتصاد به شمار می‌آید. از این نظر، شناسایی عوامل مؤثر بر سلامت مالی و برنامه‌ریزی برای تقویت نقاط آسیب‌پذیر می‌تواند به بانک‌ها در ایفای نقش خود در جامعه کمک کند. بررسی ادبیات بیانگر آن است که عوامل متعددی بر سلامت بانکی تأثیرگذار است (چیرونسیا^۱، ۲۰۲۰). یکی از این عوامل که طی سال‌های اخیر و به ویژه پس از بحران مالی و بانکی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ مورد توجه قرار گرفته است و به کانون تحقیقات دانشگاهی تبدیل گردیده است (به عنوان مثال، پاتان و اسکولی^۲؛ آیبی و همکاران^۳؛ لیانگ و همکاران^۴؛ پاتان و فاف^۵؛ آلدالاین^۶؛ جورفی و همکاران^۷؛ استولز^۸؛ ابوالسود^۹؛ فراگ و مالین^{۱۰}؛ کوئین و دیکسون^{۱۱}؛ و لئون و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۸))، مسئله نظام راهبری شرکتی و نحوه تأثیرگذاری آنها بر بانک‌ها و نهادهای مالی است. چرا که اعتقاد بر این است اگر حاکمیت شرکتی سالم وجود داشته باشد، نظارت بانکی می‌تواند به خوبی عمل کند، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد و تضمینی برای عملکرد کارآمد و مؤثر سیستم بانکی است (هایدی و مارلین (۲۰۰۳)؛ سولودو (۲۰۰۴)). نظام راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) دربرگیرنده کلیه فرایندها و ساختارهایی است که موسسات مالی را در امر هدایت و راهبری امور با هدف اطمینان از امنیت و سلامت عملکرد آنها یاری می‌رساند. راهبری شرکتی به معنای توزیع اختیارات و به‌کارگیری مکانیزم‌هایی مناسب توسط هیئت‌مدیره، هیئت‌عامل و سهامداران به منظور پاسخگویی به دیگر ذینفعان بانک نظیر سپرده‌گذاران، مشتریان، کارکنان و به طور کلی آحاد جامعه است. علیرغم مورد توجه قرار گرفتن نظام راهبری شرکتی در صنعت بانکداری، اتفاق نظری یکسان در ادبیات تجربی در خصوص اثر نظام

راهبری شرکتی در موسسات مالی بر سلامت بانکی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وجود ندارد. پاتان و فاف^{۱۳} (۲۰۱۳)، آیبی و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۲)، لیانگ و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۳)، آلدالاین^{۱۶} (۲۰۱۴) جورفی و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۵)، کوئین و دیکسون^{۱۸} (۲۰۱۷) معتقدند که نتایج تأثیرات نظام راهبری شرکتی در مؤسسات مالی مبهم است. در مقابل برخی مانند لیو و چن^{۱۹} (۲۰۱۲) معتقدند که بانک‌ها با هیئت‌مدیره گسترده‌تر و ناهمگون‌تر، مکانیسم‌های راهبری شرکتی مرتبط با مدیریت ریسک بهتری دارند و به سطوح عملکرد بالاتری می‌رسند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز طی سال‌های اخیر نظام راهبری شرکتی به طور غیرمنسجم در بازار پول و سرمایه مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در جهت اجرایی شدن ابعاد مختلف آن از طریق وضع قوانین، اعمال اقدامات نظارتی و ... صورت پذیرفته است. در این رابطه می‌توان به مجموعه دستورالعمل و بخشنامه‌های بانک مرکزی همچون «نظارت بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی» و «کارکرد بخش تطبیق در بانک‌ها» در سال ۱۳۸۳، «بهبود حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی» و «حسابرسی داخلی در بانک‌ها» در سال ۱۳۸۴، «چارچوبی برای نظام‌های کنترل داخلی در واحدهای بانکی» و «بهبود شفافیت در بانک» در سال ۱۳۸۴، «تجدید ساختار شبکه بانکی و راهبردهای مناسب اجرای آن» در سال ۱۳۸۷، «تطبیق و کارکرد آن در بانک‌ها» و «بهبود حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی» در سال ۱۳۸۸، اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی^{۲۰} در سال ۱۳۹۱، «حسابرسی داخلی در بانک‌ها» در سال ۱۳۹۳ و «اصول چهارده‌گانه برای بهبود حاکمیت شرکتی» در سال ۱۳۹۴، «دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی» در سال ۱۳۹۶ اشاره نمود.

با توجه به توضیحات فوق، مجموعه اقدامات و الزامات بانک مرکزی که با هدف ایجاد و تقویت ثبات و سلامت نظام بانکی متناسب با استانداردها و رویه‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی و کمیته بال درخصوص نظام راهبری شرکتی صورت گرفته است، ضروری است تا اثربخشی حاکمیت شرکتی و ابعاد آن در صنعت بانکی جمهوری

11. Qin and Dickson

12. Leone et al

13. Pathan and Faff

14. Aebi et al

15. Liang et al

16. Aldalayeem

17. Jorfi et al

18. Qin and Dickson

19. Liu and Chen

20. Islamic Financial Services Board (IFSB)

1. Chairunesia

2. Pathan and Skully

3. Aebi et al

4. Liang et al

5. Pathan and Faff

6. Aldalayeem

7. Jorfi et al

8. Stulz

9. Abou-El-Sood

10. Farag and Mallin

- بانک سالم بانکی است که بتواند اعتماد عمومی را حفظ و حفظ کند، بتواند کار واسطه‌گری را انجام دهد، به روان‌سازی ترافیک پرداخت کمک کند و دولت بتواند در اجرای سیاست‌های مختلف به ویژه سیاست‌های پولی از آن استفاده کند. به طوری که بانک‌ها بتوانند در آینده استراتژی‌های تجاری ایجاد کنند و انتظار می‌رود خدمات بهتری را برای مشتریان ارائه کنند و از نظر اقتصادی کشور به دولت کمک کنند (چیرونسیا^۹، ۲۰۲۰).

- سلامت بانکی به معنای وضعیت مالی و عملیات مطلوب یک بانک می‌باشد که حاکمیت باید از طریق شناسایی نقاط آسیب‌پذیر نظام بانکی و طراحی مکانیزم‌های نظارتی با استفاده از شاخص‌های مناسب، طوری عمل نماید که از احقاق حقوق سپرده‌گذاران و ذینفعان از طریق توانایی انجام تعهدات توسط بانک‌ها و پیشگیری و برخورد با تخلفات احتمالی اطمینان حاصل نماید (لئون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۸).

- بانک سالم بانکی است که بتواند اعتماد عمومی را حفظ کند، بتواند نقش واسطه‌گری را انجام دهد، به روان‌سازی جریان پرداخت‌ها کمک کند و دولت را در اجرای سیاست‌های مختلف به ویژه سیاست‌های پولی مورد استفاده یاری رساند (اوکتاویانی و ساراسواتی^{۱۱}، ۲۰۱۸).

با توجه به اهمیت سلامت بانک‌ها در حفظ کارایی و ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شناخت عوامل مؤثر بر آن و در نظر گرفتن این عوامل در طراحی سیاست‌های اقتصادی حائز اهمیت است. در این خصوص عوامل متعددی بر سلامت مالی بانک‌ها در سطح خرد (بنگاه) و سطح کلان (کشور) تأثیر می‌گذارد. بخشی از این متغیرها می‌توانند بر سلامت بانک‌ها تأثیر مثبت بگذارند، در حالی که برخی دیگر تأثیر منفی دارند. برخی از این عوامل ممکن است تحت کنترل مدیریت بانک باشند و برخی دیگر خارج از کنترل باشند. به طور کلی عوامل مؤثر بر سلامت بانکی به طور گسترده در مطالعات تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال ناصر (۲۰۱۹) با بهره‌گیری از مدل سیستم پویا^{۱۲} و برپایه مدل کمز^{۱۳}، عوامل مؤثر بر سلامت بانکی را در ۱۲ عامل اصلی دسته‌بندی نمود. نمودار (۱) درخواره علی^{۱۴} عوامل مؤثر بر سلامت بانکی ارائه شده است (ناصر، ۲۰۱۹)۱۴. در جدول (۱) برخی از عوامل مؤثر بر سلامت بانکی که از مطالعات تجربی استخراج شده است ارائه شده است.

اسلامی ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته شود. بر این اساس در این مطالعه تأثیر اجرای نظام راهبری شرکتی بر سلامت صنعت بانکی ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفته است.

ساماندهی مقاله حاضر بدین صورت است که پس از مقدمه، در بخش دوم، مبانی نظری و پیشینه مقاله مطرح می‌گردد. در بخش سوم، مدل تجربی، بیان می‌شود. بخش چهارم، شامل داده‌های مورد استفاده در مدل و نتایج برآوردها و تجزیه و تحلیل آنها است. در بخش پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادات مطالعه ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

سلامت مالی^۱ بخش بانکداری، آنالیز تحلیلی از ایمنی بانک با در نظر گرفتن ریسک سرمایه، ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری و ریسک عملیات است که در رابطه با سیاست‌های مدیریتی تعیین می‌گردد. در ساده‌ترین تعریف، می‌توان سلامت مالی بانکی را وضعیتی دانست که بانک به نحو کارایی قادر به مقابله با تهدیدهای مرتبط با فعالیت و استفاده مؤثر از منابع خود برای کسب سود است (پیتر^۲، ۲۰۲۲)؛ مسعود و حق^۳ (۲۰۱۶). در مطالعات تجربی از سلامت مالی تعاریف متعددی ارائه شده است. در برخی از مطالعات آن را مترادف با کارایی، بهره‌وری، سودآوری و حتی ثبات بانکی تعریف نمودند (کومار و همکاران^۴، ۲۰۱۲)؛ نگوین و لیو^۵ (۲۰۱۹). در ادامه به برخی از این تعاریف اشاره می‌گردد:

- سلامت بانکی را می‌توان توانایی بانک در انجام عملیات بانکی به منظور ایفای صحیح کلیه تعهدات خود مطابق با اعمال مقررات بانکی و تداوم فعالیت در آینده بیان نمود که نتیجه ارزیابی وضعیت بانک بر روی ریسک‌ها و عملکرد بانک است و می‌تواند به عنوان استراتژی تجاری در آینده نزدیک مورد استفاده قرار گیرد (مسرورا و اندرواتی^۶، ۲۰۲۰).

- سلامت مالی بانک، به شرايطی اطلاق می‌گردد که در وضعیت، شاخص‌های مالی - که کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، نقدینگی و اثربخشی آن را مشخص می‌کند - برای اطمینان از توانایی بانک برای بقای در شرایط منفی بازار، در محدوده‌های معینی قرار دارند (سالینا و همکاران^۷، ۲۰۲۰).

9. Leone et al
10. Octaviani and Saraswati
11. Dynamic System Model
12. CAMELS
13. Casual Tree

۱۴. در پیوست (۱) نمودار ارائه شده است.

1. Financial Soundness
2. Peter
3. Masud and Haq
4. Kumar et. al
5. Nguyen and Liu
6. Masuroh and Indrawati
7. Salina et al
8. Chairunesia

جدول ۱. مولفه‌های موثر بر سلامت بانکی بر اساس مطالعات تجربی

عنوان	مطالعات تجربی
کیفیت سرمایه انسانی شاغل در بانک‌ها، میزان توسعه ظرفیت مدیریت ریسک بانک‌ها، میزان توسعه سیاست‌های تخصیص اعتبار، سطح توسعه ظرفیت و کیفیت راهبری شرکتی	گیتیان ^۱ (۱۹۹۷)؛ براش ^۲ (۱۹۹۷)؛ رولیه ^۳ (۱۹۹۷)؛ اولای وولا ^۴ (۲۰۱۸)؛ فلوسو ^۵ (۲۰۲۱)؛ اسماعیل و همکاران (۲۰۲۱).
میزان شفافیت و پاسخگویی و اجرای صحیح و مطمئن استانداردهای حسابداری و حسابرسی	گیتیان (۱۹۹۷)؛ رحمان ^۶ (۱۹۹۸)؛ آدسینا و همکاران ^۷ (۲۰۲۰)؛ موستری و همکاران ^۸ (۲۰۲۰)؛ آلبرشت و همکاران ^۹ (۲۰۲۰)؛ اسماعیل و همکاران (۲۰۲۱)؛ غوری و همکاران (۲۰۱۹)
رشد اقتصادی، تورم	مارکوس ^{۱۰} (۱۹۸۴)؛ تائی مای فان و همکاران ^{۱۱} (۲۰۱۶)؛ نگون ^{۱۲} (۲۰۲۰)؛ فیشر ^{۱۳} (۱۹۹۷)
نرخ ارز، تحریم‌های مالی و بانکی، رقابت بانکی	فرانکل ^{۱۴} (۱۹۹۷)
ابزارها و سیاست‌های محدود برای کنترل نوسانات فزاینده در جابه‌جایی سرمایه ناشی از آزادسازی مالی	
سیاست‌های اقتصادی، شاخص‌های مختلف عملکرد	
تقویت مکانیسم‌های کنترلی برای انطباق با نظام بازار آزاد، اثربخشی دستورالعمل‌های بانکی، حفظ تعادل منافع بین ذینفعان داخلی و خارجی بانک‌ها، تقویت نظارت رسمی	(گیتیان، ۱۹۹۷)
سیستم‌های حسابداری حقوقی و مالی مؤثر، استانداردهای گزارشگری مالی خوب، تعداد زیاد حسابداران	کیمبرو ^{۱۵} (۲۰۰۲)؛ آدسینا و همکاران (۲۰۲۰)؛ المونیف و سامونتاری ^{۱۶} (۲۰۱۹)؛ فلوسو (۲۰۲۱)؛ روزانی و رحمان (۲۰۱۳)؛ حسین (۲۰۱۵)؛ سلمان و همکاران (۲۰۱۳)
اندازه کمیته حسابرسی	محمد اختر و همکاران (۲۰۱۱)
ریسک اعتباری، نقدینگی، ریسک سرمایه، ریسک عملیاتی	لی (۲۰۱۴)
نسبت نقدینگی، ریسک پوشش سرمایه	نوتل و همکاران (۲۰۱۵)؛ عامر (۲۰۱۵)؛ روزانی و رحمان (۲۰۱۳)؛ هادریچه (۲۰۱۵)؛ گودارد و همکاران (۲۰۰۴)؛ ساریتا و همکاران (۲۰۱۲)؛ اونگوره و کوسا (۲۰۱۳)؛ وان، تپ، نگون و دی یانگ، لیو (۲۰۱۹)
نسبت وام، کفایت سرمایه	ساریتا و همکاران (۲۰۱۲)؛ اونگوره و کوسا (۲۰۱۳)؛ هادریچه (۲۰۱۵)
بازده سرمایه‌گذاری، اهرم مالی	آناناسوگلو و همکاران (۲۰۰۸)؛ بهادری، طالب نیا، ایمانی (۲۰۱۵)؛ مایز و استرمل (۲۰۱۴)؛ تان (۲۰۱۶)؛ بهادری و همکاران (۲۰۱۵)؛ ریتا ^{۱۷} (۲۰۰۷)
هزینه سربار، سپرده، نسبت دارایی بدون بهره به کل دارایی، ذخایر، اندازه بانک، سرمایه بانک	سن بانک
نسبت کفایت سرمایه، توانایی مدیریت هزینه عملیاتی	چرخه تجاری
نسبت ارزش ویژه (LER)، مالکیت، کارایی عملیاتی، ذخایر (RSVs)، فاصله بانک از ورشکستگی (Z_score)، درآمد بدون بهره، نسبت دارایی‌ها (NIEAR)	نگون و لیو (۲۰۱۹)
صادرات و واردات، بیکاری	بابوچک و جانچار ^{۱۸} (۲۰۰۵)؛ آنجلا و ایرینا ^{۱۹} (۲۰۱۵)
شیوه تامین مالی	(السعیدی و عباس ^{۲۰} ۲۰۲۲)

ماخذ: یافته‌های مطالعه

و مخاطرات اخلاقی، زمینه‌های فعالیت و کیفیت خدمات بانکی، نظام‌های حل و فصل مالی^{۲۲} (گزیر)، مدل کسب و کار، راهبری شرکتی، شرایط صنعت و... اشاره نمود.

۲- دسته دوم شامل شرایط محیطی و نهادی تاثیرگذار بر عملکرد بانک‌ها است که از جمله این شرایط می‌توان شرایط اقتصاد کلان،

با توجه به جدول (۱) و به لحاظ نظری می‌توان عوامل موثر بر سلامت بانکی را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود (التیمی (۲۰۱۰)؛ تالاسینوس و لیاپیس (۲۰۱۱)؛ سریر و همکاران (۲۰۱۱)؛ انگور و کوسا (۲۰۱۳)؛ چیرونسیا^{۲۱} (۲۰۲۰)).

۱- دسته اول شامل شرایط و ویژگی‌های فعالیت بانک‌ها است که از جمله این شرایط می‌توان به اندازه بانک، نوع خدمات، مقدار ریسک

12. Nguyen
13. Fischer
14. Frenkel
15. Kimbro
16. Almonneef and Samontaray
17. Rita
18. Babouček and Jančar
19. Angela and Irina
20. Al-Saidi and Abbas
21. Chairunesia
22. Resolution

1. Guitian
2. Brash
3. Roulier
4. Olayiwola
5. Foluso
6. Rahman
7. Adesina et al
8. Mustari et al
9. Albrecht et al
10. Marcus
11. Thi My Phan et al

عمق مالی، ساختار بازار، چارچوب قانونی و نهادهای عمومی، کسری بودجه، بدهی دولت، آزادی اقتصادی و ... را نام برد.

در میان عوامل موثر بر سلامت بانکی، یکی از الزاماتی که پس از ورشکستگی و درماندگی چندین بانک - مانند بانک برادران لیمن، چهارمین بانک سرمایه‌گذاری در ایالات متحده آمریکا- در طول بحران مالی جهانی و پس از آن به‌طور مکرر بحث سیاست‌گذاری را داغ کرده، مسئله نظام راهبری شرکتی است. در این خصوص در بسیاری از مطالعات که به مبحث ورشکستگی پرداختند، بر نقش راهبری شرکتی و نقش آن در پیش‌بینی ورشکستگی مالی تأکید داشتند (برای مثال؛ چانو و همکاران، ۲۰۱۵). براساس یافته‌های این مطالعات یکی از عوامل اصلی بحران مالی و به دنبال آن ورشکستگی شرکت‌ها، عدم رعایت سازوکارهای راهبری شرکتی و چگونگی تأثیر آن مطرح شده است. در ادامه به تشریح حاکمیت شرکتی و اجزای آن و چگونگی تأثیر آن بر سلامت اشاره می‌گردد.

نظام راهبری شرکتی و سلامت صنعت بانکی

حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شامل طیف وسیعی از شیوه‌هایی است که رفتار مناسب تجارت، ارزش‌ها، اخلاقیات و کل فرهنگ رفتار سازمانی و کارکنان را دربر می‌گیرد. این نه تنها شامل اهداف فرآیندی و مالی برای خدمت به منافع سهامداران است، بلکه بهترین شیوه‌های رفتار با سپرده‌گذاران، مشتریان و سایر ذینفعان را نیز شامل می‌شود. سهم عمده حاکمیت شرکتی افزایش عملکرد عملیاتی شرکت‌ها و جلوگیری از تقلب است. جانگ و کیم (۲۰۰۲) دریافتند که شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی بهتر عملکرد مالی بهتری نسبت به شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی ضعیف دارند. جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) و فاما و جنسن (۱۹۸۳) دریافتند که حاکمیت شرکتی واقعاً به مالکان کمک می‌کند تا بر امور شرکت کنترل داشته باشند. مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی موقعیت قدرتمندی را به مالکان برای مدیریت خودی‌ها و مدیران شرکت داده است (بن و همکاران، ۲۰۱۵). ساختار راهبری شرکتی عمدتاً توسط هیئت‌مدیره و هیئت شریعت نظارت می‌شود (خلیل و تکتک^۱، ۲۰۲۰) و تضمین می‌کند که مدیریت و هیئت‌مدیره از طریق ایجاد اصول و رویه‌ها از بهترین و صحیح‌ترین شیوه‌ها در

انجام وظایف خود پیروی می‌کنند، نه تنها به سهامداران بلکه به سایر ذینفعان نیز پاسخگو هستند (فلوسو^۲، ۲۰۲۱). در بانک‌ها با توجه به ماهیت حساس عملیات بانکی، شیوه‌های راهبری شرکتی موثر (نظارت هیئت‌مدیره و مدیریت) عنصر اساسی تضمین یک بانک امن و سالم و عاملی برای دستیابی و حفظ اعتماد و اعتماد عمومی ذینفعان (مشتریان، حفظ کارکنان، بازار، دولت و ...) به سیستم بانکی است. بنا به تعریف راهبری شرکتی به فرآیند یا مکانیزمی اطلاق می‌شود که از طریق آن امور کسب‌وکارها و مؤسسات با هدف بهبود ارزش بلندمدت سهامداران و در عین حال در نظر گرفتن منافع سایر ذینفعان علاقه‌مند به رفاه یک واحد تجاری، هدایت و مدیریت می‌شوند. استدلال شده است که شیوه‌های راهبری شرکتی یک حالت استاندارد نیست (نه "یک اندازه مناسب همه") و بنابراین نمی‌تواند به هر شکل استاندارد عمل کند، بلکه در سراسر جهان متفاوت است (موری و سوادپ^۳، ۲۰۱۹). راهبری شرکتی در بانک‌ها به دو دسته راهبری شرکتی خارجی و داخلی^۴ تقسیم می‌شود. راهبری شرکتی داخلی منافع عمومی، منافع کارکنان و منافع مالکان را پوشش می‌دهد. راهبری شرکتی خارجی به عنوان مکانیزمی تعریف می‌شود که از طریق آن مسئولیت دولت‌ها برای کنترل عملیات بانک‌ها بر اساس مقررات بانکی رایج اعمال می‌شود (ادوین^۵، ۲۰۱۲)؛ جی بادبو^۶ (۲۰۱۴)؛ بن و همکاران (۲۰۱۵).

نظام راهبری شرکتی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد و سلامت بانک‌ها تأثیر دارد. در اثر مستقیم استقرار مناسب سازوکارهای راهبری شرکتی، اقدامی اساسی برای استفاده مطلوب از منابع شرکت، بازگشت سرمایه تأمین‌کنندگان منابع مالی، افزایش پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذینفعان شرکت‌هاست (مرتضی و همکاران^۷، ۲۰۱۴)؛ جی و حسن^۸ (۲۰۱۶)؛ روسی و همکاران^۹ (۲۰۲۱). به عنوان مثال اندازه و ویژگی‌های هیئت‌مدیره به عنوان یکی از اجزای اساسی سیستم راهبری شرکتی اثر مثبت بر عملکرد و سلامت مالی شرکت دارد (انتیم و سوپاروین^{۱۰}، ۲۰۱۳)؛ جیزی و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۴)؛ کورمیر و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۷)؛ حکیمی و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۸)؛ بوالای^{۱۴} (۲۰۱۹)؛ فلوسو (۲۰۲۱)). چرا که تصمیمات هیئت‌مدیره بزرگتر می‌تواند اولاً نگرانی‌های ذینفعان را در مقایسه با هیئت‌مدیره‌های کوچکتر رفع نمایند. ثانیاً از طریق نظارت افراد بیشتر بر شرکت، می‌توانند کارآمدتر

9. Rossi et al

10. Ntim and Soobaroyen

11. Jizi et al

12. Cormier et al

13. Hakimi et al

14. Buallay

1. Khalil and Taktak

2. Foluso

3. Mouri and Swadip

4. External and Internal Corporate Governance

5. Adewoyin

6. Gbadebo

7. Murtaza et al

8. Jie and Hasan

خارجی می‌توانند بر مدیریت بانک تأثیر بگذارند و مشکلات نمایندگی را کاهش دهند (یوجونا^۹، ۲۰۱۲). علاوه بر این، جذب مدیران خارجی، سرمایه‌گذاران جدید را جذب و عملکرد بانک‌ها بهبود می‌یابد. (رملی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۸). با این حال، بنا به نظر بوسادا^{۱۱} (۲۰۱۲) و رافیندا و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۸) به علت عدم آشنایی مدیران خارجی با قوانین حسابداری و شیوه‌های مدیریت کشور میزبان، مدیریت ریسک و دسترسی به اطلاعات لازم و کنترل بانک با مشکل مواجه می‌گردد.

نقش مدیران نهادی به عنوان مولفه راهبری شرکتی در سلامت بانکی مبهم است. بر اساس نظر طرفداران ترانفعال، مدیران نهادی به علت عدم اطلاع از موقعیت موسسه مالی در برخی مواقع شرکت را تشویق می‌نمایند تا با هدف افزایش بهره‌وری در پروژه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند. همین امر نیز منجر به آن می‌شود که شرکت با مشکل مواجه شود. در نقطه مقابل حکیمی و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که مدیران نهادی دانش خوبی از مشکلات بخش و تخصص نسبت به سایر مدیران دارند و مستقل‌ترند. این امر خطرات و هزینه‌های مالی را کاهش می‌دهد و عملکرد مالی را بهبود می‌بخشد.

وجود تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره می‌تواند سلامت بانکی را تحت تأثیر قرار دهد (اسمیت و همکاران^۹، ۲۰۰۶)؛ خنیفه و حدیب^{۱۰} (۲۰۰۶)؛ هوگندورن و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۳)؛ سولاک اوغلو و دمیر^{۱۲} (۲۰۱۶)؛ موری و سوادپ^{۱۳} (۲۰۱۹)؛ لیس و ایکا^{۱۴} (۲۰۲۱)؛ بیسواس و همکاران^{۱۵} (۲۰۲۲). در حالی که بنا به نظر یاسر (۲۰۱۲) هیچ تأثیر قابل توجهی بین تنوع جنسیتی و سلامت شرکت‌ها وجود ندارد. پاتان و فاف (۲۰۱۳)، خان و همکاران (۲۰۱۹)، بیسواس و همکاران (۲۰۲۲) استدلال می‌کنند که بین تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره و سلامت مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. حضور زنان در هیئت‌مدیره بانک‌های اسلامی می‌تواند مدیریت را به اتخاذ استراتژی بیش از حد محافظه‌کارانه ترغیب کند و مطمئناً بانک‌های اسلامی را کمرقیب کند. تنوع هیئت‌مدیره برای دستیابی به سود و درآمد شرکتی بسیار حیاتی است. تنوع جنسیتی می‌تواند بازدهی بالاتر، پایگاه مشتری بالاتر و سود بیشتر ایجاد کند. این به این دلیل است که گروه‌های مختلف می‌توانند راه حل‌های ساده شده‌ای ایجاد کنند (لیس و ایکا، ۲۰۲۱). بر اساس

باشند. همچنین هیئت‌مدیره‌های بزرگ دارای تنوع بیشتری از تخصص و تجربه هستند، که به نوبه خود تأثیر مثبتی بر شهرت شرکت‌ها و تصویر آنها و شناسایی ریسک‌های اصلی دارد (انتیم و سوباروین (۲۰۱۳)؛ جیزی و همکاران (۲۰۱۴)؛ بوالای (۲۰۱۹)). طرفداران تئوری نمایندگی، در مقابل، استدلال می‌کنند که تعداد بالای مدیران مشکلاتی را برای هماهنگ کردن تلاش‌ها بین اعضای هیئت‌مدیره ایجاد می‌کند و مشکل ارتباط را مطرح می‌کند. به علاوه، هیئت‌مدیره بزرگ هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد و مدیران را تشویق می‌کند تا به دنبال منافع خود باشند. علاوه بر این، تعداد بیشتر اعضای هیئت‌مدیره باعث افزایش مشکل عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود که منجر به تضاد منافع و افزایش مشکلات نمایندگی می‌شود. بر این اساس پیش‌بینی می‌کنند که اندازه هیئت‌مدیره تأثیر منفی بر عملکرد مالی بانک‌ها داشته باشد (بوکایر و عبدالرحمن^۱، ۲۰۱۵) و بوالای (۲۰۱۹).

مدیران غیر اجرایی در هیئت‌مدیره به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های راهبری شرکتی بر سلامت بانکی تأثیر دارد. برای کسب عملکرد بهتر و جلب اعتماد و مشارکت ذینفعان، داشتن مدیران و اعضای غیر اجرایی در هیئت‌مدیره مهم است (آندرس و والادو^۲، ۲۰۰۸) و فوزی و همکاران^۳ (۲۰۱۶)). بر اساس تئوری وابستگی به منابع، تعداد زیادی از مدیران مستقل مهارت‌ها و عملکرد مالی بهتری دارند. مدیر غیر اجرایی مستقل مسئول بهبود عملکرد و ثبات و شناسایی ریسک‌های اصلی است. براساس تئوری نمایندگی، داشتن تعداد بالاتری از مدیران غیراجرایی مستقل باعث کنترل بهتر فعالیت‌ها و کاهش منافع مدیر می‌شود. علاوه بر این، مدیر غیراجرایی مستقل به هیئت شریعت کمک می‌کند تا مطابقت محصولات مالی با قوانین شرعی را تأیید کند؛ به علاوه، حضور مدیران غیر اجرایی مستقل استقلال هیئت‌مدیره را تضمین می‌کند. در مقابل، مطالعات دیگر، به تأثیر منفی مدیران غیرموظف مستقل بر سلامت مالی بانک‌ها اشاره دارند. مدیر غیرموظف مستقل به دلیل امتناع مدیران اجرایی از افشای اطلاعات و مشارکت محدود او در فعالیت‌های مؤسسه مالی، در درک مسئولیت‌های اصلی خود در بانک مشکل دارد (خلیل و چیچی^۴، ۲۰۲۰).

نوع مدیران از بعد داخلی و خارجی بودن نیز می‌تواند بر سلامت بانک‌ها تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران

9. Smith et al
10. Haniffa and Hudaib
11. Hoogendoorn et al
12. Solakoglu and Demir
13. Mouri and Swadip
14. Lis and Ika
15. Biswas et al

1. Bukair and Abdul Rahman
2. Andres and Vallelado
3. Fuzi et al
4. Khalil and Sabrine Chihi
5. Ujunwa
6. Ramly et al
7. Boussaada
8. Rafindaa et al

مالی جهانی، توجه اغلب بر این موضوع متمرکز شده است که آیا انگیزه‌های ایجاد شده توسط برنامه‌های پاداش مدیران بانک‌ها منجر به ریسک‌پذیری بیش از حد و بی‌ثباتی بخش مالی می‌شود یا خیر؟ سراسی و اولویرا^{۱۱} (۲۰۱۵) با استفاده از نمونه‌ای از ۱۱۶ بانک بزرگ بین سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹، نشان دادند که پاداش زیاد مدیران عامل با سطح پایین‌تر عملکرد مالی در طول دوره بحران مالی مرتبط است. دیجبالی و زاقدودی^{۱۲} (۲۰۲۰) هم نشان دادند که پاداش مدیران عامل تأثیر منفی بر عملکرد بانک‌ها در تونس دارد.

کمیته پایش ریسک^{۱۳} (CRO) به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های راهبری شرکتی در سلامت بانکی مهم است. کمیته نظارت و پایش ریسک یک کمیته مستقل از هیئت‌مدیره است. وظیفه آن مدیریت، مشاهده و به حداقل رساندن ریسک‌های مختلف است که بخش بانکی با آن مواجه است. برانکاتو و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۶) و ساباتو^{۱۵} (۲۰۱۰) تأثیر مثبت حضور کمیته کنترل را در کاهش ریسک بانکی و افزایش سودآوری نشان دادند. مونگیاردینو و پلاس^{۱۶} (۲۰۱۰) اثر مثبت کمیته مدیریت ریسک را در بانک‌های بزرگ نشان دادند. آنها دریافتند که فعالیت کمیته مدیریت ریسک، ثبات و عملکرد بانکی بهتر را تضمین می‌کند. موری و سوآدپ^{۱۷} (۲۰۱۹) نیز به تأثیر مثبت تعداد کمیته‌های فرعی هیئت‌مدیره بر سلامت بانکی اشاره کردند.

تأثیر نوع مالکیت دولتی بانک‌ها بر عملکرد بانک نیز حائز اهمیت است. لاپورتا و همکاران (۲۰۰۲) استدلال نمودند که مشارکت دولت در بانک‌های تجاری نشانه و ملاحظات واضحی از ناکارآمدی آنهاست. این بانک‌ها از کارایی پایین و نرخ بالای مطالبات غیرجاری رنج می‌برند. در مورد بانک‌های دولتی در کشورهای درحال توسعه به جای کشورهای با درآمد بالا، آنها نسبت به هم‌تایان خصوصی خود سود کمتری دارند. این ممکن است به این دلیل باشد که کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته برای مقابله با انحرافات ناشی از مالکیت عمومی بانک‌ها مجهزتر هستند (دیجبالی و زاقدودی، ۲۰۲۰).

در اثر غیرمستقیم راهبری شرکتی از طریق تأثیر بر سایر متغیرها بر عملکرد تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال جیزی و همکاران (۲۰۱۴) بین استقلال هیئت‌مدیره و شیوه‌های مسئولیت‌های اجتماعی شرکت^{۱۸}

نظریه نقش اجتماعی، چیزما و همکاران. (۲۰۱۵) مشاهده کردند که کشورهایی که سطح دینداری بالاتری دارند، احتمال بیشتری دارد که در هیئت‌مدیره کمتر زنان را منصوب نمایند. این جنبه‌ها ممکن است مانع از آن شود که صاحبان سهام بانک‌های اسلامی به مدیران زن بیشتری دستور دهند. در مقابل برخی مطالعات (مانند خان و همکاران (۲۰۱۹)) بیان می‌کنند که به علت ریسک‌گریزی زنان نسبت به مردان، تأثیر تنوع جنسیتی در هیات مدیره مبهم است.

دوگانگی مدیرعامل^۱ به عنوان یکی از مولفه‌های راهبری شرکتی بر سلامت بانکی تأثیر دوگانه دارد. بریکلی و همکاران^۲ (۱۹۹۷)؛ پالمون و والد^۳ (۲۰۰۲)؛ جودگ و همکاران^۴ (۲۰۰۳)؛ باگات و بولتون^۵ (۲۰۰۸)؛ ملا و زمان^۶ (۲۰۱۵)) اشاره دارند که دوگانگی مدیرعامل (مدیر اجرایی) رابطه منفی با سلامت شرکت‌ها دارد. این دوگانگی می‌تواند توانایی نظارت موثر بر سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش دهد. با این حال، یافته‌های متفاوتی نیز وجود دارد که در آن دوگانگی مدیر عامل می‌تواند عملکرد را افزایش دهد (مانند فالیه (۲۰۰۷)). به گفته کوکی و گویزانی^۷ (۲۰۱۵)، مدیر بانفوذی که تمایل به تسلط بر هیئت‌مدیره دارد، مدیرعامل دوگانه است. گاهی ممکن است هنوز هم رئیس هیئت‌مدیره باشند. چنین مدیران عاملی ممکن است گاهی اوقات به ضرر سهامداران قدرت هیئت‌مدیره را تضعیف کنند. آنها ممکن است علاقه خود را در یک شرکت به حداکثر برسانند، زیرا از اختیار "بدون تصدیق"^۸ تصمیمات هیئت‌مدیره برخوردار هستند. به طور مشابه، باگات و بولتون^۹ (۲۰۰۸) تأثیر قابل توجهی را بین جداسازی مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره با سلامت شرکت کشف کردند. ملا و زمان (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین دوگانگی و سلامت بانکی پرداختند. آنها ۸۶ بانک اسلامی و ۸۶ بانک متعارف را طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ از ۲۵ کشور مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که مدیران عامل دوگانه به عملکرد بانک اسلامی لطمه می‌زند (لیس و ایکا، ۲۰۲۱).

پاداش مدیران اجرایی^{۱۰} (مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره) یکی از مکانیسم‌های مهم حاکمیتی داخلی در نظریه‌های بانکی و راهبری شرکتی تلقی می‌شود. پاداش مدیران با تکیه بر انگیزه‌های مالی، نقشی اساسی در همسویی منافع مدیریت با سهامداران دارد. پس از بحران

10. Executive compensation

11. Cerasi and Oliviero

12. Djebali and Zaghdoudi

13. Risk Monitoring Committee

14. Brancato et al

15. Sabato

16. Mongiardino and Plath

17. Mouri and Swadip

18. Corporate Social Responsibility (CSR)

1. CEO's Duality

2. Bickley et al

3. Judge et al

4. Kouki and Guizani

5. Bhagat and Bolton

6. Mollah & Zaman

7. Kouki and Guizani

8. Rubber Stamp

9. Bhagat and Bolton

در این خصوص می‌توان به شاخص‌های رتبه‌بندی و ارزیابی سلامت بانکی کملز، ایگلز، مبتنی بر ریسک (RGEK)، بانکومتر (S-score)، کاراملز (CAMELS) اشاره نمود. در این میان مدل کملز پرکاربردترین آنها است. سیستم رتبه‌بندی CAMELS - که به سیستم رتبه‌بندی نظارتی مشهور است - یک مدل ذهنی که نشان‌دهنده قدرت مالی بانک و موقعیت نسبی آن‌ها را نسبت به سایر بانک‌ها نشان می‌دهد است (ریدی، ۲۰۱۲). مدل کملز مبتنی بر مدل‌های غیراقتصادسنجی است و بر روی داده‌های حسابداری و مالی هر بانک تمرکز دارد. سیستم کملز توسط شورای نظارت بر موسسات مالی فدرال^۴ (FFIEC) ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۹ تصویب و توسط نهادهای نظارتی و مقرراتی صنعت بانکداری آمریکا چون شرکت بیمه سپرده‌های فدرال^۵ (FDIC)، فدرال رزرو^۶، اداره کنترل پول^۷ (OCC)، مودیز^۸، فیچ^۹ و استاندارد و پورز^{۱۰} به کار گرفته شد. سیستم رتبه‌بندی CAMELS شامل شاخص‌های کفایت سرمایه^{۱۱} (C)، کیفیت دارایی^{۱۲} (A)، کیفیت (توانایی) مدیریت^{۱۳} (M)، سودآوری^{۱۴} (توانایی کسب درآمد^{۱۵}) (E)، نقدینگی^{۱۶} (L) و حساسیت نسبت به ریسک بازار^{۱۷} (S) است که یک طرح کلی کنترلی برای ارزیابی قابلیت اطمینان مالی بانک‌ها است. اندازه‌گیری‌های کفایت سرمایه، ظرفیت بخش بانکی برای مقابله با زیان‌های غیرمنتظره را اندازه‌گیری می‌کند و به ایده «تاب‌آوری در برابر شوک‌ها» معروف است. شاخص کیفیت دارایی مستقیماً با خطرات بالقوه برای پرداخت بدهی بانک‌ها مرتبط است. شاخص سودآوری، ظرفیت پذیرش زیان‌ها را بدون تأثیر بر سرمایه اندازه‌گیری می‌کند. شاخص نقدینگی انعطاف‌پذیری بانک‌ها را در برابر لرزش‌های جریان نقدی اندازه‌گیری می‌کند. شاخص حساسیت به ریسک بازار معیاری است که میزان ریسک بانک را با توجه به تغییرات قیمت دارایی‌ها در بازارهای پولی اندازه‌گیری می‌کند. برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها و موسسات مالی با استفاده از شاخص کملز بایستی شش شاخص فوق‌مورد ارزیابی قرار گیرد. در جدول (۲) چارچوب رتبه‌بندی کملز ارائه شده است. در محاسبه شاخص CAMELS، برای هر مؤلفه رتبه‌ای از ۱ تا ۵ در نظر گرفته می‌شود (۱ نشان‌دهنده بهترین و ۵ نشان‌دهنده بدترین). به هر مؤلفه

رابطه مثبت و اساسی یافتند. آنها استدلال نمودند که مدیران مستقل خارجی در هیئت‌مدیره، کار نظارت و کنترل هیئت‌مدیره را تقویت می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که منافع اجتماعی سهامداران حفظ می‌شود. آنها همچنین نشان دادند که تمایل مدیران مستقل بر اهداف کوتاه‌مدت کمتر از اهداف بلندمدت است که می‌تواند با سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی ایجاد شود. جو و هارجوتو^۱ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که شرکت‌هایی با هیئت‌مدیره بزرگتر تعهد CSR را می‌پذیرند. به این معنا که هیئت‌های بزرگتر از رعایت قوانین و دستورالعمل‌های شرکت مانند CSR اطمینان می‌دهند. انتیم و سوباروین^۲ (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که هیئت‌مدیره‌های بزرگتر منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر در عملیات CSR می‌شود. بر این اساس پیشنهاد می‌کنند که اعضای هیئت‌مدیره مستقل، نظارت بر مدیریت را تقویت کرده و به مدیران اجرایی اجازه می‌دهند در فعالیت‌های CSR پایدار شرکت کنند و پیامدهای بالقوه مفیدی برای عملکرد مالی شرکت‌های خود داشته باشند. آنها در تعامل با چند ذینفع بهتر عمل می‌کنند و استراتژی‌های حساس‌تری دارند، اولویت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را کنترل می‌کنند و منجر به تأثیر تعدیل‌کننده مثبت در رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی می‌شود (لیائو و همکاران^۳، ۲۰۱۹).

۳. روش تحقیق

شاخص‌های سنجش سلامت بانکی

برای اندازه‌گیری سلامت بانکی، شاخص‌های مختلفی مطرح گردید. شاخص‌های سلامت مالی (FSIs) پس از بحران مالی در اواخر دهه ۱۹۹۰، در سال ۲۰۰۱ در زمینه برنامه ارزیابی بخش مالی (FSAP) و برای ارزیابی نقاط قوت و آسیب‌پذیری سیستم مالی توسط هیئت اجرایی صندوق بین‌المللی و بانک جهانی معرفی شدند. شاخص‌های مالی، شاخص‌هایی هستند که برای نظارت بر تناسب و قابلیت اطمینان سازمان‌ها و بازارهای مالی، و هم‌تایان تجاری و شرکت‌های تابعه آن‌ها جمع‌آوری می‌شوند. هدف مجموعه شاخص‌های ثبات مالی این است که به کاربران دانش کاملی از قابلیت اطمینان بخش مالی ارائه دهد.

10. Standard and Poors
11. Capital Adequacy
12. Asset Quality
13. Management Quality (Capability)
14. Profitability
15. Earnings
16. Liquidity
17. Sensitivity to Market Risk

1. Jo and Harjoto
2. Liao et al
3. Reddy
4. Federal Financial Institution Examination Council
5. Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC)
6. Federal Reserve
7. Office of the Comptroller of the Currency, (OCC)
8. Moodys
9. Fitch

مطالعه محمود و رحمان (۲۰۲۰) معیارهای مربوطه انتخاب و شاخص سلامت بانکی مبتنی بر کملز محاسبه شده است.

وزن اختصاص می‌یابد و در نهایت رتبه وزنی محاسبه می‌شود. در مطالعات تجربی برای ارزیابی هر یک از شاخص‌های کملز، معیارهای کمی متعددی تدوین و ارائه شده است. در مطالعه حاضر بر اساس

جدول ۲. چارچوب رتبه‌بندی کملز

معیار	نسبت	وزن	نسبت رتبه‌بندی				
			۱	۲	۳	۴	۵
نسبت دارایی‌های موزون ریسک به کل سرمایه به کل	۲۰٪	>۱۱٪	۸٪-۱۱٪	۴٪-۸٪	۱۵٪-۴٪	<۱٪	
مطالبات غیر جاری به تسهیلات ناخالص (NPL)	۲۰٪	<۱۵٪	۱۵٪-۳۵٪	۳۵٪-۷٪	۷٪-۹۵٪	>۹۵٪	
هزینه‌های عملیاتی به درآمد عملیاتی (CIR)	۲۵٪	≤۲۵٪	۲۶٪-۳۰٪	۳۱٪-۳۸٪	۳۹٪-۴۵٪	≥۴۶٪	
سود خالص پس از کسر مالیات به متوسط دارایی	۱۵٪	>۱۵٪	۱۵٪-۱۲۵٪	۱۰۱٪-۱۲۴٪	۷۵٪-۱٪	<۷۵٪	
دارایی‌های نقد به سپرده دیداری	۱۰٪	≥۵۰٪	۱۲٪-۴۹۹۹٪	۳۸٪-۴۴۹۹٪	۳۳٪-۳۷۹۹٪	≤۳۲٪	
اندازه و میزان سپرده بانک به کل شبکه بانکی	۱۰٪	≤۲۵٪	۲۶٪-۳۰٪	۳۱٪-۳۷٪	۳۸٪-۴۲٪	≥۴۳٪	

ماخذ: نگوین و لئو (۲۰۱۹)

معرفی مدل

در این تحقیق بر اساس رهیافتی از مطالعه دیجیبال و زاقدودی (۲۰۲۰) و موری و سوادپ (۲۰۱۹) و توجه به عدم ایجاد همخطی کامل بین متغیرها، برای شناسایی و بررسی حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی صنعت بانکی ایران از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده شده است.

$$\begin{aligned}
 FS_{it} = & \alpha_0 + \beta_1 B.SIZE_{it} \\
 & + \beta_2 IND_{it} \\
 & + \beta_3 NBM_{it} \\
 & + \beta_4 NACM_{it} \\
 & + \beta_5 DUAL_{it} \\
 & + \beta_6 NCROM_{it} \\
 & + \beta_7 MACRO_t \\
 & + \beta_8 SIZE_{it} \\
 & + \beta_9 GDP_t \\
 & + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}
 \quad (۱)$$

در رابطه (۱)؛ سلامت بانکی (FS_{it})، اندازه هیئت‌مدیره^۱ ($B.SIZE$)، تعداد مدیر مستقل^۲ (غیراجرایی) (IND)، تعداد جلسات هیئت‌مدیره^۳ (NBM)، تعداد جلسات کمیته حسابرسی ($NACM$)، دوگانگی مدیرعامل ($DUAL$)، تعداد جلسات کمیته پایش ریسک ($NCROM$)، ناطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی ($MACRO$)، اندازه بانک ($SIZE$) و رشد اقتصادی (GDP) و ε_{it} جمله اختلال هستند. به علاوه، نماد $t = 1, \dots, T$ نشان‌دهنده زمان یعنی سال‌های ۱۳۸۵-۱۴۰۲ و نماد i در مدل‌های مذکور بیانگر مقاطع یعنی بانک‌ها شامل بانک‌های ملت، رفاه، صادرات، تجارت، پارسیان، پاسارگاد، شهر، کارآفرین، سرمایه، سینا، سامان و اقتصاد نوین است.^۴ با توجه به داده‌ها، مدل با استفاده از روش داده‌های تابلویی برآورد می‌گردد. نحوه اندازه‌گیری متغیرها در جدول (۳) ارائه شده است.

۴. بانک‌های مورد مطالعه، بانک‌های خصوصی فعال در بورس اوراق بهادار هستند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند.

1. Board Size (BS)
2. Number of Independent Director (ID)
3. Number of Board Meeting (NBM)

جدول ۳. متغیرها و نماد مورد استفاده در مدل (۱)

متغیر	شاخص	نماد	ماخذ	نتیجه انتظاری
سلامت مالی بانک	ترکیبی CAMELS	FS_{it}	محمود و رحمان (۲۰۲۰)	
اندازه بانک	لگاریتم دارایی	$size$	سلامی و همکاران (۲۰۲۲)	(-)
رشد اقتصادی	رشد تولید ناخالص داخلی	GDP	نگوئن و لیو (۲۰۱۹)	(+)
اندازه هیات مدیره	لگاریتم تعداد اعضاء هیات مدیره	$B.Size$	موری و سوادپ (۲۰۱۹)	(-)
تعداد مدیران مستقل	لگاریتم نسبت مدیران غیراجرایی هیات مدیره به کل اعضاء	IND	موری و سوادپ (2019)	(+)
تعداد جلسات هیئت مدیره	لگاریتم تعداد جلسات هیات مدیره	NBM	موری و سوادپ (2019)	(-)
تعداد جلسات کمیته حسابرسی	لگاریتم تعداد جلسات کمیته حسابرسی	$NACM$	موری و سوادپ (2019)	(-)
دوگانگی مدیرعامل	اگر مدیرعامل و رئیس هیات مدیره یک نفر باشد عدد ۱ در غیر این صورت صفر	$DUAL$	لیس و ایکا (۲۰۲۱)	(-)
تعداد جلسات کمیته پایش ریسک	تعداد جلسات کمیته پایش ریسک	$NCROM$	موری و سوادپ (2019)	(-)
نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی	میانگین چهار شاخص نرخ تورم، تغییرات نرخ ارز (نرخ ارز در بازار آزاد)، تغییرات کسری بودجه و تغییرات در نرخ مبادله که مقداری بین صفر و یک است.	$MACRO$	چاو و همکاران (۲۰۱۹)	(-)

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۴. یافته‌ها

در این تحقیق از روش داده‌های تابلویی به عنوان روش آماری برای برآورد مدل (۱) استفاده می‌شود. برای جلوگیری از رگرسیون کاذب، متغیرهای تحقیق به لحاظ مانایی باید مورد بررسی قرار گیرند. لیکن، در این روش انتخاب روش ارزیابی مانایی متغیرها به روش برآورد با داده‌های تابلویی برمی‌گردد. معمولاً در ارزیابی مانایی داده‌های تابلویی با دو روش آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک^۱ و آزمون ریشه واحد برای هر مقطع^۲ انجام می‌شود. به طوری که در صورت استفاده از روش تلفیقی، از آزمون دیکی-فولر و در صورت انتخاب روش تابلویی از روش هاردی استفاده خواهد شد.

براساس متدولوژی اقتصادسنجی، برای تعیین مدل مقتضی از بین سه روش اثرات مشترک (تلفیقی)، ثابت و تصادفی در ابتدا آزمون F برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات مشترک انجام و نتایج در جدول (۴) ارائه شده است.

همانطور که از جدول (۳) مشهود است، روش سنجش سلامت بانکی در این مقاله استفاده از شاخص ترکیبی کملز است. اگرچه این روش به عنوان روش متداول برای سنجش سلامت بانکی در ادبیات موجود به کار گرفته می‌شود، لذا برای شرایط با ثبات بانکی و اقتصادی بسیار مفید است ولی در شرایطی که مؤسسات اعتباری در محیط پرتلاطم تحریم فعالیت می‌کنند و شوک‌های بیرونی مختلف یک مؤسسه اعتباری را با ریسک و بازده و اختلال در برنامه‌ها مواجه می‌کند، در عمل اهمیت و وزن شاخص‌های قابل سنجش کملز کاهش می‌یابد و ممکن است نتایجی خلاف انتظارات تئوریک حاصل شود. با این حال از آنجا که در حال حاضر بنابر بخشنامه‌های بانک مرکزی و رویه این بانک از ارزیابی سلامت بانکی در کشور، شاخص‌های کملز می‌باشد و اجرای کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها نیز مبتنی بر چند شاخص کملز انجام می‌گیرد، با اغماض محدودیت آماری پیش گفته، این روش برای محاسبه سلامت بانکی انتخاب شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون F برای مدل (۱)

آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
آزمون F	F	۲۵/۴۹	۰/۰۰۰۰	فرضیه صفر رد می‌شود

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همانطور که مشخص است، ارزش احتمال کمتر از ۵ درصد است و فرضیه صفر مبنی بر برابری بین عرض از مبداها پذیرفته نمی‌شود. بنابراین، تخمین مدل در حالت اثرات ثابت بر تخمین مدل به روش اثرات مشترک در

اولویت قرار دارد. براین اساس، برای ارزیابی مانایی متغیرها نمی‌توان از آزمون دیکی-فولر استفاده کرد و آزمون هاردی به کار گرفته شد. بر اساس آزمون هاردی، چنانچه معناداری آماره آزمون کمتر از سطح خطای مورد نظر (۰/۰۵) باشد، متغیر مورد آزمون پایا می‌باشد. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است و در نتیجه، بانک‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. نتایج این آزمون در جدول شماره (۵) ارائه شده است و بنابر نتایج تمامی متغیرها در سطح مانا هستند.

جدول ۵. آزمون ریشه واحد هاردی

متغیر	نماد	آماره آزمون Statistic	سطح معناداری Prob.	نتیجه
سلامت مالی بانک	FS_{it}	۶/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level
اندازه بانک	size	۱۰/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level
رشد اقتصادی	GDP	۵/۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level
اندازه هیات مدیره	B. Size	۸/۷۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level
تعداد مدیران مستقل	IND	۲/۷۲	۰/۰۰۲۵	۰/۰۵ Stationary in level
تعداد جلسات هیئت مدیره	NBM	۲/۵۴	۰/۰۰۵۵	۰/۰۵ Stationary in level
تعداد جلسات کمیته حسابرسی	NACM	۴/۲۷	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level
دوگانگی مدیرعامل	DUAL	۶/۶۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level
تعداد جلسات کمیته پایش ریسک	NCROM	۳/۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵ Stationary in level
نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی	MACRO	۴/۴۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵ Stationary in level

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی آزمون هاسمن اجراء شده است. نتایج آماره کای دو در جدول (۶) نشان می‌دهد که ارزش احتمال آماره کوچکتر از ۵ درصد است و لذا فرضیه صفر را نمی‌توان تأیید کرد. بر این اساس می‌توان گفت برآورد مدل به روش اثرات ثابت نسبت به اثرات تصادفی ارجحیت دارد.

جدول ۶. آزمون راستنمایی اثرات ثابت و هاسمن مدل (۱)

آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
آزمون هاسمن	کای دو	۲۳/۱۳	۰/۰۰۰۰	فرضیه صفر رد می‌شود

ماخذ: یافته‌های پژوهش

بنابراین با توجه به نتایج آزمون‌های F و هاسمن، مدل مدنظر به روش اثرات ثابت قابل برآورد است. از این‌رو، آزمون ناهمسانی

واریانس برای این مدل ضرورت می‌یابد، چرا که در مدل‌های دارای اثرات تصادفی، واریانس‌های مربوط به مقاطع مختلف با هم یکسان نبوده و مدل دارای ناهمسانی واریانس است. ناهمسانی واریانس پدیده‌ای است که واریانس اجزای اخلاص طی زمان یا بین مقاطع تغییر می‌کند. وجود ناهمسانی واریانس در مدل منجر می‌شود برآوردها علی‌رغم ناتور و سازگار بودن ناکارا باشند. در این تحقیق از روش بربوش-پاگان استفاده شده است. این آزمون از طریق نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ انجام شده است که ارزش این آماره ۲۵/۵ و ارزش احتمال آن ۰/۰۰۰ حاصل گردید. از آنجا که ارزش احتمال کمتر از سطح ۱ درصد است، لذا فرضیه صفر این آزمون یعنی همسانی واریانس رد می‌شود. لذا برای رفع این ناهمسانی واریانس مدل به روش GLS برآورد شده است که نتایج در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج مدل (۱) با اثرات ثابت به روش GLS

متغیر	ضرایب	ارزش احتمالی	توضیحات
رشد اقتصادی	۰/۰۸۰۶	۰/۰۰۰۰	مثبت و معنی‌دار
تعداد مدیران مستقل	۰/۰۲۴۴	۰/۰۰۰۰	مثبت و معنی‌دار
اندازه هیأت مدیره	-۰/۰۶۸۸	۰/۰۰۸۳	منفی و معنی‌دار
تعداد جلسات هیئت مدیره	-۰/۰۵۳۲	۰/۰۰۰۰	منفی و معنی‌دار
تعداد جلسات کمیته حسابرسی	-۰/۰۱۰۶	۰/۰۰۲۱	منفی و معنی‌دار
دوگانگی مدیرعامل	-۰/۰۲۵۸	۰/۰۲۳۷	منفی و معنی‌دار
تعداد جلسات کمیته پایش ریسک	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۷۱	منفی و معنی‌دار
اندازه بانک	-۰/۰۷۴۳	۰/۰۰۲۱	منفی و معنی‌دار
نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی	-۰/۰۱۳۰	۰/۰۰۰۰	منفی و معنی‌دار
ضریب تعیین	۰/۹۳	F	۳۶/۵۳ (۰/۰۰۰۰)

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری

سلامت بانکی در سطح اقتصاد خرد (بنگاه) و اقتصاد کلان (کشورها) جهت دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار و رفاه جامعه ضروری است. زیرا سرعت رشد اقتصادی، بازار سرمایه متعادل، جریان کارآمد سرمایه بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران بدون یک بخش مالی سالم قابل حفظ نیست. علاوه بر این یک سیستم بانکی سالم و سودآور، به گونه بهتری توانایی کاهش و کنترل شوک‌های در صورت رخداد (کاهش ناگهانی عملکرد) و بازبایی سریع پس از شوک (بازسازی عملکرد نرمال) را دارد، به پیش‌بینی بحران‌های مالی کمک کند و نقش پررنگ‌تری در پایداری و ثبات سیستم مالی و برای پاسخگویی بهتر اقتصاد به شوک‌های مالی ایفا نماید (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). براین اساس ضروری است تا بانک‌ها ضمن ارزیابی سطح سلامت مالی خود، نسبت به شناسایی و آشکارسازی عوامل مؤثر بر آن اقدام نمایند. مطابق با مطالعات تجربی عوامل متعددی بر سلامت مالی بانک‌ها در سطح شرکت و سطح کشور تأثیر می‌گذارد که بسته به نوع و ماهیت دارای اثری متفاوت هستند. در این میان، موضوع راهبری شرکتی بانکی از زمان درماندگی بسیاری از بانک‌ها به طور مکرر مطرح گردید. بر این اساس در مطالعه حاضر تأثیر اجزای نظام راهبری شرکتی بر سلامت مالی بانکی ۱۲ بانک خصوصی فعال در بورس اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۴۰۲ به روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و روش GLS بررسی گردید. نتایج مطالعه نشان داده است که رشد اقتصادی تأثیر معنی‌دار و مثبت، اندازه بانک و نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر معنی‌دار و منفی بر سلامت بانکی دارند.

نتایج مربوط به تفسیر ضرایب براساس جدول (۷) بیانگر آن است که ضریب تعیین مدل معادل ۰/۹۳ و بیانگر توضیح‌دهندگی خوب متغیرهای توضیحی در مدل تصریح شده است. بدین معنا که ۹۳ درصد از تغییرات سلامت مالی بانک توسط متغیرهای توضیحی مدنظر در مدل توضیح داده می‌شود. آماره F معادل ۳۶/۵۳ و ارزش احتمال آن صفر (کمتر از ۵ درصد) است که این به معنای آن است که متغیرهای موجود در مدل به طور کلی قادر به توضیح متغیر سلامت مالی بانک هستند. نتایج برآورد نشان می‌دهد که اندازه بانک و نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر منفی و رشد اقتصادی تأثیر مثبت بر سلامت مالی بانک‌ها دارند. از میان مولفه‌های نظام راهبری شرکتی تنها متغیر مدیران مستقل تأثیر مثبت بر سلامت بانکی دارد. اندازه هیئت‌مدیره و تعداد جلسات هیئت مدیره تأثیر نامطلوبی بر سلامت بانکی دارند. تأثیر نامطلوب اندازه هیئت مدیره ممکن است به دلیل این واقعیت باشد که هیئت‌مدیره بانک‌ها از تعداد زیادی مدیران غیرکارا و مولد تشکیل شده است. این منجر به بروز مسئله سواری رایگان^۱ مدیران می‌شود. یعنی مدیران بیش از آنچه به بانک کمک کنند، منابع مصرف می‌کنند و در نتیجه عملکرد و سلامت بانک را تضعیف می‌گردد. تعداد جلسات کمیته حسابرسی و کمیته پایش ریسک دارای تأثیر منفی بر سلامت مالی بانک‌ها است. این مورد می‌تواند ناشی از عدم تخصص اعضای کمیته‌ها در کمک به هیئت‌مدیره در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های راهبردی بانک دانست که منجر به افزایش اندازه هیئت‌مدیره، تعداد جلسات هیئت‌مدیره، و حق‌الزحمه هیئت‌مدیره می‌شود.

- با هدف افزایش پایداری مالی، ضمن مدل سازی ریسک در بانک، ارزیابی مستمر ریسک به ویژه ریسک های اعتباری، عملیاتی و بازار انجام پذیرد.

- اندازه بانک تأثیر منفی بر سلامت بانکی دارد این نشان می دهد که میزان دارایی های بانک تضمین کننده سلامت بانک نیست. بر این اساس بانک ها نسبت به بازبینی دارایی های خود به ویژه دارایی های ثابت مازاد خود و فروش آن اقدام نمایند تا از این طریق قادر به تامین منابع مالی تسهیلات گیرندگان باشند.

- بانک مرکزی با استفاده از مدل سازی کلان اقتصادی و در نظر گرفتن شرایط واقعی اقتصاد، نرخ واقعی متغیرهای کلان اقتصادی را تعیین نماید تا ضمن کنترل نوسانات آنها، زمینه های ایجاد سلامت مالی بانک و بالتبع سلامت اقتصادی فراهم گردد.

- نسبت کفایت سرمایه، شاخصی از کارایی بانک ها در تخصیص، ریسک بانک ها و همچنین ابزار سنجش ثبات نظام مالی است. از این رو ضروری است بانک ها همواره از طریق تقویت سرمایه و بهبود کفایت سرمایه، جایگاه و موقعیت مالی و قدرت رقابت پذیری خود را تقویت نمایند.

- سهامداران فعالانه در ایجاد حاکمیت شرکتی خوب در بانک های خود مشارکت کنند تا ضمن کسب سودهای بهتر و پایدار، زمینه های بهبود سلامت مالی بانک ها فراهم گردد.

- تعداد مدیران در هیئت مدیره بانک در حداقل اندازه باشد، چرا که این حداقل اندازه، هیئت مدیره را قادر می سازد تا فعالیت های نظارتی خود را به درستی انجام دهد.

- سرمایه گذاران علاوه بر توجه به شیوه های حاکمیت شرکتی در بانک ها، به کیفیت اطلاعات افشا شده در صورت های مالی نیز توجه داشته باشند. این موضوع منجر به بهبود کیفیت افشای توسط بانک ها گردد.

برای بهبود سلامت در بانک ها، تعداد مدیران مستقل در هیئت مدیره افزایش یابد. ساختار حقوق و دستمزد مدیرعامل و میزان نفوذ و جایگاه آن در بانک ها تجدیدنظر گردد.

از میان ابعاد حاکمیت شرکتی تنها تعداد مدیران مستقل تأثیر معنی دار و مثبت بر سلامت بانکی دارد. در مقابل اندازه هیئت مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره، تعداد جلسات کمیته حسابرسی، دوگانگی مدیرعامل، تعداد جلسات کمیته پایش ریسک تأثیر معنی دار و منفی بر سلامت بانکی ایران دارد. به طور کلی می توان بیان نمود که نظام راهبری شرکتی، تأثیر مطلوبی بر سلامت مالی بانک های مورد مطالعه در ایران نداشته است که می تواند ناشی از عدم استقرار واقعی نظام مذکور در سیستم بانکی کشور به خصوص بانک های خصوصی و خصوصی شده و همچنین ضعف های راهبری شرکتی در بانک های مورد مطالعه از جمله عدم وجود راهبرد و استراتژی صحیح حاکمیت شرکتی، نبود مکانیزم های نظارتی، عدم شفافیت صحیح و مسئولیت پذیری موثر افشای اطلاعات، عدم فعالیت موثر و کارآمد هیئت مدیره، مدیریت ضعیف دارایی ها و بدهی ها و ... دانست. نتایج مطالعه با نتیجه مطالعه فلوسو (۲۰۲۱) و موری و سوادپ (۲۰۱۹) همراستا و با نتایج مطالعه دیجبال و زاقدودی (۲۰۲۰) و خلیل و چیچی (۲۰۲۰)، لئون و همکاران (۲۰۱۸) تطبیق ندارد.

با توجه به نتایج حاصله، پیشنهاد می گردد:

- مدیریت بانک ها اقدام به تقویت کمیته های حاکمیت شرکتی و جایگاه واحدهای حاکمیت شرکتی نمایند.

- بانک مرکزی به منظور انطباق بانک ها با استانداردهای حاکمیت شرکتی، اقدام به تجدید نظر و بازمهندسی قوانین و دستورالعمل های نظام راهبردی شرکتی و تدوین چارچوب های سیاستی قوی نماید.

- در بانک ها، عملکرد راهبری شرکتی از طریق ایجاد اعتبار، اعتماد عمومی، شفافیت و مسئولیت پذیری با حفظ کانال موثر افشای اطلاعات تقویت گردد.

- در بانک ها، مکانیزم های نظارتی توسط هیئت مدیره با به کارگیری راهبرد و استراتژی صحیح حاکمیت شرکتی طراحی گردند.

- در زمینه اجرای صحیح نظام راهبری شرکتی، عملکرد هیئت مدیره بانک توسط نهادهای نظارتی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته شود.

- مدیریت بانک ها با هدف اندازه گیری تست استرس و پیش بینی بحران های مالی اقدام به استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک و کنترل های داخلی نماید.

References

- Aebi, V., Sabato, G., & Schmid, M. (2012), Risk management, corporate governance, and bank performance in the financial crisis, *Journal of Banking & Finance*, 36(12), 3213-3226.
- Ahmadi, S.M.M., Gholami, E., Nobakht, J. (1395), Review of The Position and Necessary Reforms in the Banking System to Achieve The Goals of the Economy of Resistance, Research Plan, Expediency Discernment Council. (in persian)
- Al-Saidi. A., & Abbas. D.S, (2022), Sources of Financing and Their Impact on Financial Safety: An Applied Study on a Sample of Private Bank's Listed in Iraq Stock Exchange, *Palarch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 19(1), 1281-1297.
- Angela R., & Irina B., (2015), An Empirical Analysis of The Macroeconomic Determinants of Non-Performing Loans in EU28 Banking Sector, *Revista Economică*, 67(2), 108-127.
- Biswas. S., Bhattacharya. M., Sadarangani. P., and Yiqiang. J., (2022), Corporate governance and earnings management in banks: An empirical evidence from India, *Cogent Economics & Finance*, 10(1), 1-20.
- Chairunesia W., (2020), Analysis of the Bank's Health Level and Its Effects on the Profitability of Sharia General Banks Listed in Indonesia's Financial Services Authority Period 2015-2018, *Asian Journal of Economics, Business and Accounting*, 17(3), 38-53.
- Cormier D, Samira D., & Michel M., (2017). Beyond earnings: Do EBITDA reporting and governance matter for market participants?, *Managerial Finance*, 43, 193-211.
- Djebali. N., and Zaghdoudi. K., (2020), Testing the governance-performance relationship for the Tunisian banks: a GMM in system analysis, *Financial Innovation*, 6(23), 1-24.
- Foluso Ololade Oluwole, (2021), The Impact of Corporate Governance on Banks Profitability in Nigeria", *Financial Markets, Institutions and Risks*, 5(1), 18-28.
- Fuzi, S. F. S., Syahrina A. A. H., & Julizaerma M. K. J., (2016), Board independence and firm performance, *Procedia Economics and Finance*, 37, 460-65.
- Jizi M. I., Aly S., & Robert D., (2014). Corporate governance and corporate social responsibility disclosure: Evidence from the US banking sector, *Journal of Business Ethics*, 125, 601-15.
- Khalil A. & Chihi S., (2020). Do board characteristics affect the financial soundness of Islamic banks", *African Scientific Journal*, 3(2), 96-113.
- Leone. P., Gallucci. C and Santulli. R., (2018), How Does Corporate Governance Affect Bank Performance? The Mediating Role of Risk Governance, *International Journal of Business and Management*, 13(10), 212-229.
- Liao. L., Chen. G., and Zheng. D., (2019), Corporate social responsibility and financial fraud: Evidence from China", *Accounting & Finance*, 59, 3133-3169.
- Lis S. O., and Ika P. S., (2021). The Bank Soundness in Indonesia: Risk and Corporate Governance. *Golden Ratio of Finance Management*, 1(1), 1-12.
- Masud., A.K., and Haq. M., (2016), Financial Soundness Measurement and Trend Analysis of Commercial Banks in Bangladesh: An Observation of Selected Banks, *European Journal of Business and Social Sciences*, 4(10), 159 - 184.
- Mouri D., & Swadip B., (2019), Examining the Impact of Corporate Governance on Banks' Performance using CAMELS Approach: A Panel Data Study of Selected Banks in Bangladesh, *The Chittagong University Journal of Business Administration*, 30, 1-28.
- Murtaza I. A., Naeem A., & Aqsa I., (2014), Impact of corporate social responsibility on firm financial performance: A case study of Pakistan, *International Review of Management and Business Research*, 3, 14-19.
- Nguyen V.T., & Liu D. Y., (2019), Determinants of financial soundness of commercial banks: Evidence from Vietnam, *Journal of Applied Finance & Banking*, 9(3), 35-63
- Ntim, C. G., and Soobaroyen. T., (2013), Corporate governance and performance in socially responsible corporations: New empirical insights from a Neo-Institutional framework, *Corporate Governance: An International Review*, 21, 468-94.
- Reddy. S., (2012), Relative Performance of Commercial Banks in India Using Camel Approach, *International Journal of Multidisciplinary Research*, 2(3), 38-58.
- Rita B., (2007). Macroeconomic and Financial Soundness Indicators: An Empirical Investigation, *IMF Working Paper*, Monetary and Capital Markets Department.
- Rossi. M., Chouaibi. J., Chouaibi. S., Jilani. W., and Chouaibi. Y., (2021), Does a Board Characteristic Moderate the Relationship between CSR Practices and Financial Performance? Evidence from

